



وزارت امور مهاجرین و عودت کنندگان

د کډوالو او راستنېدونکو چارو وزارت

ریاست اطلاعات و ارتباط عامه

آمریت ارتباط عامه

بولتن خبری

News Bulletin

۲۲ جدی - سال ۱۳۹۹





فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۴	۶۰۶ خانواده در فراه از مساعدت نقدی مستفید شدند (وب سایت وزارت)
۵	به ۴۷ خانواده بیجا شده در غور کمک غیر خوراکی توزیع شد (وب سایت وزارت)
۶	انتقال اجساد مهاجران افغان از ترکیه؛ وزارت خارجه: تیراندازی پلیس ترکیه سبب حادثه شده است (پی پی سی فارسی)
۷	برپایی اردوگاه جدید سازمان ملل برای آوارگان اتیوپیایی در سودان (یورو نیوز)
۷	نخستین محموله واکسین کرونا تا ۶ ماه آینده به افغانستان وارد می شود (سلام وپندار)
۹	مرز ایران؛ فرار کردیم اما هر لحظه ممکن است دستگیر شویم (طلاعات روز)
۱۳	مثنوی خوانی؛ فرهنگ دیرینه پنجشیر دوباره رنگ می گیرد (هشت صبح)

متن کامل اخبار

۶۰۶ خانواده در فراه از مساعدت نقدی مستفید شدند (وب سایت وزارت)



آمریت امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت فراه به روز پنج شنبه (۱۸ جدی) برای ۶۰۶ خانواده بیجا شده در آن ولایت مساعدت نقدی توزیع نمود.

هر خانواده پس از سروی مبلغ ۱۵ هزار و ۳۵۰ افغانی پول نقد از جانب سازمان بین المللی مهاجرت یا IOM با حضور والی، اعضای شورای ولایتی و نهاد یادشده دریافت کردند.

به ۴۷ خانواده بیجا شده در غور کمک غیر خوراکی توزیع شد(ویب سایت وزارت



آمریت امور مهاجرین و عودت کنندگان ولایت غور به روز شنبه (۲۰ جدی) مساعدت غیر خوراکی را برای ۴۷ خانواده بیجا شده ناشی از جنگ در آن ولایت توزیع نمود. خانواده های یاد شده از ولسوالی های شهرک، چهارسده، پسابند، دولت یار، و قراء میدان بره خانه، و ولسوالی جوند ولایت بادغیس بوده که قبلا شناسایی شده بود. به هر خانواده دو تخته کمپل، دو تخته تریال، بسته ظروف آشپز خانه و بسته پوشاک زمستانی از جانب UNICEF بوده با حضور نماینده اداره مهاجرین و موسسه یاد شده در مرکز توزیع شد.

انتقال اجساد مهاجران افغان از ترکیه؛ وزارت خارجه: تیراندازی پلیس ترکیه سبب حادثه شده است) بی بی سی فارسی)

وزارت خارجه افغانستان این تصاویر را بدون توضیح نشر کرده و به نظر می‌رسد که نزدیکان قربانیان باشند.



وزارت خارجه افغانستان اعلام کرده که اجساد پنج تن از مهاجران این کشور را که در یک حادثه ترافیکی در کشور ترکیه کشته شده بودند؛ به افغانستان منتقل کرده است. قبلا وزارت خارجه افغانستان اعلام کرده بود که تیراندازی پلیس ترکیه سبب حادثه بوده است.

چهارشنبه گذشته (۱۷ جدی/دی) وزارت خارجه افغانستان اعلام کرد که یافته‌های هیأت اعزامی سفارت از محل حادثه حاکی از آن است که خودروی حامل ۱۳ تن از مهاجران افغان به صورت غیرقانونی از مرز ایران وارد خاک ترکیه شده بود.

این وزارت توضیح داده بود که در یک ایست بازرسی پلیس ترکیه به این خودرو دستور توقف داده می‌شود، اما راننده ترکی آن به دستور پلیس توجه نکرده و بدون کاهش سرعت به مسیر ادامه می‌دهد. به نوشته وزارت خارجه افغانستان بعد از آن پلیس مرزی ترکیه به سوی خودرو تیراندازی می‌کند که در نتیجه، حادثه ترافیکی رخ داده و پنج نفر از شهروندان افغان کشته و هفت نفر دیگر مجروح می‌شوند.

برپايي اردوگاه جدید سازمان ملل برای آوارگان اتیوپیایی در سودان (یورو نیوز)

کمیساریای پناهندگان سازمان ملل با برپایی چادرهای جدید در سودان پناهجویان اتیوپیایی را پذیرش می کند. از ماه نوامبر گذشته تا کنون بیش از ۵۶ هزار پناهجوی اتیوپیایی از بیم درگیری های مسلحانه میان دولت و شورشیان محلی در منطقه تیگرای این کشور به سوی سودان، واقع در همسایگی غربی اتیوپی، گریخته اند. تا پایان سال ۲۰۲۰ حدود ۴۰ میلیون دلار کمک از نهادها و کشورهای مختلف جهان به کمیساریای پناهندگان سازمان ملل اعطا شده تا این سازمان بتواند آوارگان اتیوپیایی را پذیرش کند.

نخستین محموله واکسین کرونا تا ۶ ماه آینده به افغانستان وارد می شود (سلام و پندار)



وزارت صحت اعلام کرده که قرار است نخستین محموله واکسین کرونا، تا شش ماه آینده به پشتی بانی مالی بانک جهانی و بانک توسعه آسیایی وارد افغانستان شود.

وزارت صحت می گوید که امروز (یکشنبه، ۲۱ جدی/دی) بشیر نورمل، معین پلان و پالیسی و وحید مجروح، معین عرضه خدمات صحتی این وزارت در نشستی با حضور نماینده گان اداره های مسئول در باره چه گونه گی تهیه و تطبیق واکسین کرونا گفت و گو کرده اند.

در این نشست در بارهٔ تطبیق واکسین کرونا بر بنیاد اولویت‌بندی افراد در معرض خطر، نگه‌داری این واکسین از طریق سیستم زنجیرهٔ سرد، استخدام یک‌هزار تیم برای تطبیق این واکسین، آموزش واکسیناتوران، جلوگیری از مبتلا شدن کارمندان صحتی و مدیریت درست برنامهٔ واکسین بحث شده است.

وحید مجروح، معین عرضهٔ خدمات صحتی این وزارت به اداره‌های مسئول هدایت داده است تا در راستای تطبیق این واکسین با در نظر داشت معیارهای آن در یک راهکار مشخص تلاش کنند.



پیشتر مسئولان در وزارت صحت گفته بودند که افغانستان تا اواخر سال ۲۰۲۱ میلادی به واکسین کرونا دست خواهد یافت. معصومه جعفری، معاون سخنگوی وزارت صحت به سلام‌وطن‌دار گفته بود، واکسینی را که جامعهٔ جهانی برای افغانستان کمک خواهد کرد، ۲۰ تا ۳۰ درصد شهروندان کشور را زیر پوشش قرار می‌دهد.

براساس آمار وزارت صحت، از آغاز شیوع ویروس کرونا تاکنون، ۵۳ هزار و ۵۳۸ تن در سراسر کشور به این ویروس مبتلا شده‌اند. از این میان ۲ هزار و ۲۸۸ تن جان باخته‌اند و ۴۳ هزار و ۹۴۸ تن بهبود یافته‌اند.

مرز ایران؛ فرار کردیم اما هر لحظه ممکن است دستگیر شویم (طلاعات روز)

هاله گونولتاش، روزنامه گزته دووار

این بار در ساعت‌های اول صبح برای کشف داستان پناهجویانی که از دریاچه وان عبور داده شده اند، از وان به سمت ولسوالی بتلیس شهر تاتوان (در شرق ترکیه) حرکت می‌کنیم.

پناهجویانی که توانسته‌اند از ایران وارد ترکیه شوند در شهر وان چه روزگاری دارند؟ آنچه در راه برای‌شان اتفاق افتاده را چگونه توصیف می‌کنند؟ در ترکیه چه برنامه‌ای دارند؟ در قسمت سوم مقاله «مرز ایران» پای صحبت‌های پناهجویی نشستیم که از این که هر لحظه ممکن است دستگیر و برگشت داده شوند در هراس اند.

با اجمیر هفده‌ساله، پناهجویی که یک‌ونیم ماه قبل از افغانستان به راه افتاده و در ولسوالی بیلپس شهر تاتوان از ترس پولیس در مکانی مخفی به‌سر می‌برد، صحبت می‌کنیم. می‌گوید «چهل روز است که پیاده‌روی می‌کنیم. برای قاچاقچی‌ها هر نفر ۱۰۰۰ دلار پرداخت کردیم. قاچاقچی‌ها ما را از راه آب (دریاچه وان) به قایق سوار کردند، و پس از سه‌ساعت شب‌هنگام به ساحل تاتوان رسیدیم. از آنجا تا ولسوالی بیلپس پیاده آمدیم.»

اجمیر و دوستانش با قاچاقچی‌های انسان توافق کرده بودند تا آن‌ها را به استانبول برسانند، اما قاچاقچی آن‌ها را بعد از رساندن به شهر تاتوان رها و خودش غیب شده است.

جاده‌های ارتباطی وان با ولایت‌های اطراف آن تحت مراقبت جدی امنیتی است و قاچاقچی‌ها مجبورند برای انتقال پناهجویان از راه‌های جاگزین استفاده کنند. به همین دلیل دریاچه وان در سال‌های اخیر برای عبور و مرور توسط قاچاقچی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد.

قاچاقچی پناهجویان را در ساحل تاتوان رها می‌کند

دقایقی پیش پولیس، پناهجویانی را که در اطراف دیده می‌شد، جمع کرده و با یک بس برده اند. کسانی را که قادر به فرار شده اند در ساحه صنعتی در ساختمان‌های متروکه و قدیمی زیر پله‌ها می‌بینیم، بعضی‌های آن‌ها هم در جاده‌های فرعی راه می‌روند.

در یک ایستگاه قدیمی گروهی از پناهجویان را می‌بینیم و برای صحبت به سمت آن‌ها می‌رویم اما از ما فرار می‌کنند. بالاخره یکی از آن‌ها قبول می‌کند با ما صحبت کند.

اهل پاکستان است؛ با قاچاقچی انسان برای بردنش تا استانبول توافق کرده بودند. با یک قافله ۳ صد نفری یک هفته قبل از مرز ایران به ترکیه وارد شده است. قاچاقچی آن‌ها را یک شب قبل از ساحل وان بر یک قایق سوار و در ساحل تاتوان در یک روستا رها کرده است. از برگشت داده شدن خیلی می‌ترسد. چون کارت



هویت ندرند اتوبوس‌ها سوارشان نمی‌کنند. می‌گویند حتی اگر با پای پیاده هم شود خودش را به آنکارا می‌رساند.

نگرانی مهاجرانی که در انبارها پنهان شده‌اند

پشت ایستگاه قدیمی انبارهای متروکه‌ای وجود دارد. یکی از اهالی تاتوان می‌گوید اگر در این انبارها وارد شویم مجتمعی از مهاجران را خواهیم دید. به سمت انبارها حرکت می‌کنم؛ صحنه تاریک و مکانی سرد که بوی لجن می‌دهد. باید اعتراف کنم که به‌صورت جدی از آلوده شدن به ویروس کرونا نگرانی دارم. حالا در میان یک گروه مهاجران که ماه‌ها در راه بوده‌اند قرار دارم.

برای نشستن اجازه می‌خواهم. هیچ‌کس عکس‌العملی نشان نمی‌دهد. من آرام روی زمین می‌نشینم. می‌گویم تقاضا دارم حکایت شما را بشنوم و اگر اجازه دهید همکار تصویربردارم را که بیرون منتظر است صدا بزنم؛ البته بدون اینکه صورت‌تان در تصویر ثبت شود.

رد مرز شدن به کشور خودش از عمده‌ترین نگرانی آن‌هاست. بی‌حرکت، کرخت، گرسنه، خسته و بلا تکلیف‌اند. من با ده‌ها انسان مضطرب، عصبانی و نگاه‌های خسته چشم‌درچشم شده‌ام. می‌لرزند و به سخن نگفتن مصمم‌اند.

همان‌طور که به‌صورت نامرعی به مرزها رسیده‌اند و از میان خوف و خطر جان سالم به‌درآورده‌اند، می‌خواهند از این انبارها هم غیب شوند. این مکان را ترک می‌کنم.



پناهجویانی که رد مرز شدن تمام آرزوهایشان را بر باد می‌دهند.

اطفال پناهجویی که زیر پله‌ها پنهان شده‌اند

وقتی از انبار بیرون آمدم، ولکان می‌گوید یک گروه پناهجویان اهل افغانستان زیر پله‌ها جا گرفته‌اند. پسران جوان با گروه‌های سنی ۱۵ تا ۲۰ سال، که دوستانشان را چند لحظه پیش تیم پولیس با خود برده‌است.

این جا (زیر پله‌ها) پنهان شده‌اند. اجمیر می‌گوید: «رسیدن‌مان از افغانستان تا ایران چهل روز طول کشید. در مرز ایران زمان طولانی‌ای منتظر ماندیم. هوا خیلی سرد بود، خیلی‌ها مردند. چندبار هم برای عبور از مرز رفت و آمد کردیم، در راه افتان و خیزان پاها و دست‌های‌مان زخم برداشت، اما بلاپی سرمان نیامد. زنان و اطفال خیلی در شرایط سختی بودند. با قاچاقچی‌ها توافق کرده بودیم و نفری ۱۰۰۰ دلار داده بودیم. اما همین‌که از مرز عبور کردیم به دام عساکر ترک افتادیم، ولی چون سه-چهار نفر بودیم آن‌ها نادیده گرفتند و اجازه دادند عبور کنیم.»

در وان چند شب را در خانه‌ای سپری کردیم. قاچاقچی‌ها ما را از وان سوار بر یک قایق کردند. ساعت سه صبح در این جا (ساحل تاتوان) رهایمان کردند. از آن ساعت به بعد در جاده‌هاییم. دوستان‌مان را پولیس دست‌گیر کرده و با خودشان بردند. ما فرار کردیم اما این‌جا هم هر لحظه ممکن است دست‌گیر شویم. ما نمی‌خواهیم به کشورمان بازگردانده شویم. روستای ما تحت تصرف طالبان است. افراد طالبان ما را به سربازی می‌گیرند، اما ما نمی‌خواهیم. آن‌ها کسانی را که در مقابل‌شان بایستند می‌کشند.»

این‌که چه کنند و شب را چگونه سپری کنند، نمی‌دانند. چون ثبت نشده‌اند و کارت هویت و حق مسافرت را ندارند. هدف‌شان این است که با پای پیاده به آنکارا بروند.

نصیر: در مرز ایران مافیا با لت وکوب پول‌مان را گرفت

نصیر و دوستانش در طبقه هم کف یک ساختمان در حال ساخت، در یک پتو خودشان را پیچانده و منتظرند. قاچاقچی‌ها از دو روز پیش نصیر و دوستانش را از دریاچه وان عبور داده و در ساحل تاتوان رها کرده و خودشان فرار کرده‌اند. نمی‌خواهند صدا و تصویرشان ثبت شود. می‌خواهند مطمئن شوند که آله ثبت صدا که در دستم دارم خاموش است یا نه. برایش اطمینان می‌دهم که بدون اجازه خودش هرگز دکمه ثبت صدا را فشار نخواهم داد. نصیر می‌گوید: «من به هیچ‌کس اعتماد ندارم.»

البته که او بعد از آن همه تجربه و نگرانی‌هایی که داشته حق به جانب است. آله ثبتم را به او نشان می‌دهم که خاموش است و آن را در کیفم می‌گذارم. با او به گفت‌وگو ادامه می‌دهیم.

او و دوستانش از روستایی در شهر مزار شریف افغانستان حرکت کرده‌اند. آن‌ها به واسطه قاچاقچی‌ها با پای پیاده به مرز ایران آمده‌اند. نصیر ادعا می‌کند در مرز ایران گروه مافیایی است که با نیروهای مرزی ایران همکاری است. نظر به ادعای نصیر قاچاقچی‌های انسان هم با این گروه شراکت دارند. نصیر می‌گوید در خانه‌ای که در نزدیک مرز ایران نگهداشته می‌شدیم، افراد مافیا ما را لت وکوب کرده و تمام پول‌های‌مان را گرفتند.



مهاجران نه در وطن و نه در هیچ جای دیگر، آرامش ندارند.

«با زنان پی شوهر خیلی بد رفتار می کنند»

او توضیح می دهد که قاچاقچی آن ها را مجبور می کند که از خانه ای که در روستای مرزی ایران نگهداشته می شدند خارج شوند و بدون آن که راه را بلد باشند ۱۴ ساعت پیاده رفته اند. در مرز، نیروهای مرزی ایران ما را دست گیر کردند. دوباره پول خواستند، ما گفتیم که به ما دستبرد زده شده و هیچ پولی در بساط نداریم. با قاچاقچی ای که در افغانستان توافق کرده بودیم هم تماس برقرار نتوانستیم. تلفن های ما را گرفتند.

هنگامی که در مرز نگهداشته می شدیم مردانی بودند که با زنان و اطفال خیلی بد رفتار می کردند. کارهای بدی می کردند. آن ها از جمع مهاجران نیستند. در مرز مافیا خیلی زیاد است. اگر زنی بدون مرد باشد آن وقت است که خیلی بدی می کنند.

در مرز ایران چون پول ندادیم ما را برگشتاندند. تا شش ساعت به عقب پیاده رفتیم. ما چهار نفر بودیم. سپس در آن جا با یک قاچاقچی انسان اهل ترکیه روبه رو شدیم، به او گفتیم ما را از مرز بگذران، برای پول خواهیم داد. آن قاچاقچی ما را از مرز عبور داد. این طرف مرز ما را به یک خانه برد، او به ما تلفن داد. از ما ویدیو گرفت. به خانواده مان فرستادیم و درخواست پول کردیم، آن ها هم از طریق جواهرفروشان پول فرستادند. یک هفته طول کشید تا پول برای رهایی ما برسد. در این مدت قاچاقچی به ما نان و آب می داد، سپس شبان گاه یک کوه را پیمودیم. یک قاچاقچی دیگر دو شب پیش ما را در دریاچه وان سوار بر یک قایق

کرد. صبح‌گاه ما را در ساحل رها کرد. دو روز است این‌جا انتظار می‌کشیم. پولیس هنوز ما را دست‌گیر نکرده. باید این‌جا را ترک کنیم.

در محل زندگی ما طالبان است. در مورد طالبان معلومات داری؟ آن‌ها زنان و انسان‌ها را می‌کشند. اگر آن‌جا سرباز طالبان نشوی تو را می‌کشند. ما از ترس طالبان فرار کردیم. اگر به آنکارا یا استانبول برویم یک کار پیدا خواهیم کرد. اما چون کارت هويت نداریم هیچ موتري ما را نمی‌برد. می‌خواستیم به طرف آنکارا با پای پیاده برویم، اما به دلیل سردی هوا قادر به پیاده‌روی نشدیم. حالا با یک نفر که واسطه نقلیه شخصی دارد منتظر مفاهمه هستیم، شاید او ما را به توکات ببرد. اما پول زیادی می‌خواهد. ما منتظر خبر از طرف خانواده‌ام هستیم.

مثنوی‌خوانی؛ فرهنگ دیرینه پنجشیر دوباره رنگ می‌گیرد (هشت صبح)



ساعت ۷:۳۰ شب است. هوای سرد زمستانی، سیاهی شب و نور ستاره‌ها در دل تاریکی، شور و اشتیاق کاروان را در رسیدن به محل برگزاری برنامه بیشتر می‌سازد. حتا یخ‌بندان جاده و توقف کاروان، از این اشتیاق نمی‌کاهد. کتاب‌خانه و موزیم پارنده در امتداد دره پارنده نزدیک به ده کیلومتری از سرک عمومی پنجشیر موقعیت دارد. گروهی در آن‌جا «شب مثنوی‌خوانی» برگزار کرده‌اند. این کار رسم کهن مردم پنجشیر است که با رسیدن فصل سرما پررنگ‌تر می‌شود و با گذشت هر روز رونق می‌یابد.

کاروان به سوی ساختمان کتاب‌خانه و موزیم پارنده حرکت می‌کند. دره پارنده یکی از سنگرهای تاثیرگذار مجاهدین در زمان ورود قشون سرخ شوروی سابق در افغانستان بود. این دره برای مبارزان «تسخیرناپذیر» و برای دشمن «پُرچالش‌ترین قرارگاه‌ها» شمرده می‌شد. در شب‌های زمستان، روستانشینان فارغ از

د دغدغه‌های کار دهقانی و گله‌داری، در بزم‌های مختلفی که به مناسبت‌های جداگانه شکل می‌گیرد، دور هم می‌نشینند و تا پاسی از شب کتاب‌خوانی می‌کنند.

مثنوی معنوی و شاهنامه فردوسی از کتاب‌هایی است که بیش‌تر باشندگان پنجشیر به آن می‌پردازند و آن را با همان سبک ویژه محلی‌شان می‌خوانند. حافظ‌خوان‌ها و بیدل‌خوان‌ها نیز بزم‌های ویژه خود را دارند. باشندگان پنجشیر معتقد اند که فرهنگ کتاب‌خوانی ریشه به باور مردم دارد و «روحیه پرورشی»‌شان با برخورد‌های اساطیری شاهنامه و مفاهیم اخلاقی-آموزشی مثنوی گره خورده است.

محمدایوب ادیب، استاد دانشگاه، معتقد است که مردم پنجشیر از گذشته تا حال آن‌چه که مسایل فقهی را برای مردم مطرح می‌کند، بیش‌تر آن را از پنج گنج عطار نیشاپوری، گلستان و بوستان سعدی و مثنوی و معنوی مولانا می‌گیرند. به باور او، تمایل مردم پنجشیر به شاهنامه، ریشه جوی درین ولایت دارد؛ زیرا جغرافیای کوهستانی و سردسیر دارای مردم پرخاش‌گر است و آن‌چه که پرخاش‌گری آنان را در یک متن ادبی و یا قالب شعر مطرح می‌کند، شاهنامه است.

آقای ادیب می‌گوید که در گذشته درجه علمی یک عالم دین در این ولایت دانستن عرفان اسلامی بود که همانا مثنوی و معنوی است. او معتقد است، آن‌چه از مثنوی و معنوی و قرائت‌های نرم و همه‌شمولی که از قالب عرفا، ادبیات و شعر بیرون می‌شود، باشندگان پنجشیر را وا می‌دارد تا در برابر حاکمیت قرائت افراطی در قالب‌های متفاوت مثل داعش، طالب و القاعده، راهکار بدیل را مطرح بسازند.

در مسیر راه، روشنی چراغ موتر حامل به چند اتاقی که در یک محوطه پهلوی هم قرار گرفته بودند، برمی‌خورد. آن‌جا کمیته فرهنگی مجاهدین در زمان جهاد و مقاومت بوده و گه‌گاهی در آن‌جا مجالس کتاب‌خوانی نیز برگزار می‌شده است.

فرهاد فرامرزی، نویسنده و شاعر، معتقد است که هرچند جنگ‌های چند دهه اخیر این فرهنگ دیرینه مردم پنجشیر را کم‌رنگ ساخته و حتا در شرایطی هم با گسست مواجه کرده، اما پس از سال ۲۰۰۰ میلادی، این فرهنگ دوباره با آمدن نظام جدید و مساعد شدن زنده‌گی خوب در میان جوانان و مردم پنجشیر رواج گرفته است.

به گفته فرامرزی، ترویج کتاب‌خوانی مانعی بزرگ در برابر فرهنگ‌های بی‌معنای حاکم در جامعه است و حتا با تقویت مسایل عرفانی، می‌شود در برابر افراطیت که در حال حاضر دامن‌گیر عده‌ای از جوانان است، ایستاده‌گی کرد.

چیزی بیش‌تر از یک ساعت نگذشته بود که در نهایت کاروان به محل برگزاری برنامه رسید. در آن برنامه بزرگان، جوانان، نوجوانان و حتا کودکان اشتراک کردند. شوق و اشتیاق از اشتراک در این برنامه آن هم در مکانی که بخشی از آن با آثار باقی‌مانده از دوره جهاد و مقاومت قرارگاه پارتیزان تزیین شده، مقوله‌ای را تداعی

می کند که گویند: «تفنگ محافظ قلم و قلم معرف فرهنگ، شجاعت و مردانه گی مردم روشن گر و عدالت خواه است.»

فرهنگ کتاب خوانی در میان مردم پنجشیر قداسی دارد. ظاهراً اولین برنامه بود بی آن که تلاوتی از آیات قرآن کریم صورت بگیرد، آغاز شد. حتا به گفته باشنده گان پنجشیر، ولایات ماحول شان مثنوی را «قرآن پنجشیری» می گویند. مجریان از حضور گسترده مردم در چنین برنامه ها به خوبی یاد کرده و باور دارند که سطح اشتراک مردم در چنین برنامه های در حال افزایش است و این، امیدواری را برای احیای مثنوی خوانی بیش تر می سازد.

با ورود به محفل، صدا و چهره دو مرد با صدای گیرا که سر آغاز سخن مولوی را به یک سبک خاص و لهجه محلی به خوانش گرفته بودند، به گوش می رسد. در این میان، یک عالم دین مشرح و توضیح دهنده نکات برجسته داستان «تا عمر آمد ز قیصر یک رسول» از دفتر اول مثنوی معنوی است. توت، چهارمغز و سیب پارنده که از فرآورده های زراعتی روستانشینان به شمار می آید، خسته گی کتاب خوانان و اشتراک کننده گان را با چای داغ می زداید و در دل شب سرد پنجشیر، لحظات فراموش ناشده ای را رقم می زند.

برخی دیگر از باشنده گان پنجشیر باور دارند که با آمدن تکنولوژی و رونق رسانه ها، محافل کتاب خوانی در این ولایت کم رنگ شده بود، اما تلاش بر این است که این فرهنگ دوباره نهادینه شود. فهیم کریمی، مسوول کتاب خانه و موزیم پارنده، می گوید که تلاش دارد تا فرهنگ کتاب خوانی رنگ بگیرد. به باور او، شور و شوق کتاب خوانی در میان مردم و به ویژه جوانان، خیلی زیاد است که این امیدی برای زنده نگه داشتن این فرهنگ است. فهیم معتقد است که برنامه ها و مجالس کتاب خوانی باید در سطح ولایت پنجشیر رونق بیابد و مسوولان در این زمینه بکوشند.

مسوولان فرهنگی ولایت پنجشیر نیز فرهنگ کتاب خوانی را بخشی از فرهنگ اصیل مردم پنجشیر می دانند و برای احیای این رسم تلاش به خرج داده اند. عبدالودود علی مردان، رییس اطلاعات و فرهنگ پنجشیر، می گوید که از یک سال گذشته به این سو کتاب خوانی بخشی از برنامه های مختلف فرهنگی در این ولایت بوده و مناسبت های گوناگون مثنوی خوانی و شاهنامه خوانی را به سبک های مختلف رایج در این ولایت، برگزار کرده اند.

مثنوی و معنوی، اثر مولانا جلال الدین محمد بلخی، شاعر و عارف فارسی زبان است که بیش تر ابعاد عرفانی و اخلاقی در آن مطرح شده است. در این کتاب ۴۲۴ داستان پی هم به گونه تمثیلی، سختی انسان در راه رسیدن به خدا را بیان می کند.